

مؤلف : میر حسین شاه

## افغانستان در دوره استیلاي چنگيز و اخفاد او

(۱۶)

بيماري و مرگ غازان

در قوزل تا نيسه پس از شکست مرج النصر تشکیل شده بود بغا زان عارضه  
درد چشم رخ داد اطبا بمعا لجه او پرداختند. غا زان بعد از اين بيماري  
ميخواست به بغداد برود اما بر فو باران مانع شد و ايل خان مجبور گردید  
در قزل او شان مقيم گردد (ربيع الاخر سال ۷۰۳) و زمستان را در آنجا  
بگذراند چون از شکست مقابل مصري ها سخت متاثر بود درين سفر بشده  
مريض گردید اطبا باز بمعالجه او پرداختند اما موثر نيفتاد از آنجا  
بساوه حرکت کرد در ساوه وضع مزاجي او بهتر شد اما وقتي از آنجا  
بري ميرفت باز مرض بشده عودت کرد غازان از ري به قزوین رفت در  
حوالي آن شهر بروز يكشنبه ۱۱ شوال ۷۰۳ پس از نه سال سلطنت بسن سي وسه  
در گذشت.

### شخصيت غازان

در دوره سلطنت او اسلام دين رسمي بود و امپراتوري مغول بر اساس  
دين اسلام انتظام يافته بود غازان اسلام را بوضفي که قبل از حمله مغول  
داشت اعاده داد. معيذا بمغوليت علاقه بيشتري نسبت باسلام داشت و حتي  
میکرد بنداوول مغول بود و بعد مسلمان.

بحيث يکنفر حکمران و مقنن قدرت زبادي از خود بروز ميداد بطور يکه  
طبيب و وزير او رشيد الدين در کارها اصلا دست نداشت و همه امور را  
ايلخان خودش اداره ميکرد. با وجود سخت گيري مردم روقي بود. اصلا غازان  
براي رعايای خود منظورهاي عالی در نظر داشت و براي عملي ساختن اين

مفکوره ها راهای عملی را در پیش گرفت.

غازان با اصلاح وضع مالی مملکت علاقه زیاد نشان داد. سکه‌های جدیدی بسه زبان عربی، مغولی و تبتی ضرب زد. روی سکه خود را نما ینده خان بزرگ نمیداند بلکه حکمرانی می شمارد که بفضل خدا سلطنت میکنند.

از حیث اداره او توکرات بود و نقشه‌های خویش را بشده و خواریزی اجراء میکرد. هر که را برای امنیت مالت با حکومت او توکرات خود مضر میسرمد از بین بر میداشت. از طرف دیگر سخت گیری‌های او باعث اعتلای مملکت گردید.

بعلم و هنر، که متضمن ترقی مملکت بود، علاقه زیاد داشت. میگویند خودش بتاریخ، طبیعی، طب، نجوم و کیمیا آشنا بود. بتاریخ مردمان مملکت خویش علاقه زیاد نشان میداد. رشیدالدین وزیر خود را برای انجام این کار مصروف ساخت و او تاریخ غزانی را به میان آورد. رشیدالدین میگوید: هنگام نگارش تاریخ اکثر اطلاعات خود را از شخص پادشاه می گرفتیم. (۱)

علاوه بر زبان بومی خویش نا اندازه ای بفارسی، عربی، چینی، تبتی کشمیری و حتی هندو لائینی هم می فهمید.

غازان شخصاً رسیده و جنگ آزموده بود قبل از رسیدن بمقام سلطنت چندین بار بامغولان ساوراءالنهر جنگ کرده و در فن محاربه مهارت کامل حاصل کرده بود. مانند چنگیز خان در حملات مدبر و با کفایت بود. در انتظام قشون سعی بلیغ داشت و اغلب در موقع جنگ قوای خود را باز دیدمی نمود.

مغولها همه بافتون علاقه نشان میدادند. غازان بیشتر نقاشی، معماری، آهنگری و اسلحه سازی را دوست داشت. مسانند پدران خود به ستاره شناسی نیز مایل بود. میخواست در نزدیکی تبریز صدخانه ای سازد.

(۱) حبیب السیرج ۳ ص ۹۱

با وجود قـدره اداری سیاست خارجی غازان موفقانه نیست. او نتوانست  
 سرحدات شرقی مملکت را از هجوم مردمان آسیای مرکزی نگهدارد. شام  
 را نیز نتوانست از راه دیپلوماسی یا نظامی بدست آورد. راست است که  
 در حمله اول بر مملوکی، آنجا را فتح کرد اما نتوانست آن را نگهدارد.  
 غازان سعی میکرد از حال مردم و مخصوصاً روحانیون خبر باشد و  
 اعمال آنها را مورد مراقبت و تحقیق قرار دهد. در قورلتائیکه به منا سبت  
 جلوس او تشکیل شده بود گفت: شما که لباس علم و تقوی را پوشیده اید  
 و دعوی امانت و دیانت میکنید خوب بخاطر داشته باشید که اگر بتوانید  
 از عهده اینکار بر آئید بسیار مستحسن است و درجه شما نزد خدا و مردم  
 بسیار عالی خواهد بود و الا نتیجه اعمال شما جز خجالت و انفعال نیست  
 ای مردم بدانید که خداوند مرا باین عهده برای آن وا داشته است که  
 عدل و داد دهم. من بر خود لازم میدانم که حق گویم و براه حق بروم و آنانکه  
 بمن عقیده و ارادت دارند با انواع نعم خرسند سازم. من از احوال شما  
 آفتیش می کنم و همیشه مراقب کردار شما هستم. لباس رطا هر هیچگاه مورد  
 نظر من نیست و نیز علاوه کرد: هر گاه از من امری که مخالف شرع، عقل  
 باشد صدرر یابد شرف تنبیه ارزانی دارید و در گفتن کلمه حق از ملامت  
 هیچ ملامت کننده اندیشه جایز بشمارید. (۱)

### رفورم غازان

اصلاح امور قضائی:

مسئله قضاوت و تعمیم علاقه همیشه در جامعه اسلام مطلب مذہبی بود. در  
 صدر اسلام بیغمبر اکرم خود این عهده خطیر را متعهد می شد. وقاضی های  
 ایالات را یا خود معین میکرد یا بنائب الحکومه ها هدایت میداد ایشان را  
 تعیین نمایند. در آن وقتها سعی می شد اشخاص عالم و متقی را برای این  
 کار انتخاب کنند. علی و مسعود بن جبلة یکی از ایشان بود و حتی در آن

روزهای قدیم هم بست قضاوة و اداری را از هم جدا کرده بودند.  
قاضی مطابق عنعنه اسلام باید مرد بالغ بوده و مشاعر ذهنی او سالم  
باشد، مسلمان و حر باشد. صاحب اوصاف حمیده بوده. چشم پهای او سالم  
و سالمه خوب داشته باشد. حقوق اسلام را درست بفهمد (۱) میگوید در بعضی  
مواقع حضرت عمر (خلیفه ثانی) قدرت قضائی اشخاص را قبل از انتساب آن باین  
مقام آزمایش میکرد.

بنابر این قاضی در اسلام همیشه ازین رو حائیون انتخاب می شد. مغولها  
هم وقتی با فغانستان و ایران آمدند مانند اشخاص دیگر اداری قضات  
را نیز از بین همین مردم انتخاب نمودند.

اما چون شخصیت مردم را که نه می توانستند تمیز دهند مردمان نا فهم  
در لباس علم ظاهر شدند و با وسایل مختلف خود را بمقام قضاوة میرسانیدند (۲)  
ازین راه وسیله بدست مردمان ماجراجو افتاد. و باب دعاوی باطله  
مفتوح گردید. مردمان مفسد و سایل و وثیقه جعلی بدست آورده بمال و حتی  
بنا موس مردم دعوی میکردند با مجامعه های کذائی احقاق حق می نمودند  
گاهی هم برای ملکی قبایله ای می نوشتند و تاریخ آن را از صد تا صد و پنجاه  
سال جلو میبردند و بر ملک مذکور دعوی میکردند. خلاصه وضع قضائی  
هنگام ظهور رغازان بسیار بد بود. رغازان بقله افتاد ازین اوضاع بد  
جلو گیری کرده و آنرا اصلاح کنند برای این کار چهار چیز در نظر  
گرفته شد:

(۱) تعویض قضات (۲) وضع قانون سی ساله (۳) اثبات ملکیت با بیع قبل  
از انجام عمل بیع (۴) تاکید احکام سابقه و تمهید شرایط لاحق.  
در فرمانی که درین مورد صادر شد، رغازان تا کپی کرده بود  
که مستخدمین دولت از بزرگترین درجه تا پائین ترین رتبه نمی توانند  
قاضی را بمنزل خود دعوت کنند.

(۱) الماوردی فصل ۵ (۲) حبیب السیر ج ۳ ص ۹۲